

حرف ص

صامغان ۱۰۵

صلاح الدین ۹۹-۱۱۹-۲۶۴-۲۰۷

صنعاہ ۱۰۲-۱۰۱-۱۲

صور ۱۴۱-۴۰

صفوان ۴۹-۵۰

صنعة الكتابہ ۳

صفین ۸۵-۸۷

حرف ض

ضحاک ۱۹۵

حرف ط

طاہر ۲۵۶

طارق ۶۴-۹۸

طایف ۵۲-۵۰-۴۸-۳۲-۱۰۱-۱۹-۱۸۷

۱۰۲

طرابلس ۱۰۷

طنفرل ۱۵۲

طسم ۱۰

طرون ۱۰۵

طلیطلہ ۱۱۱-۲۶۱

طرسوس ۱۹۹-۲۰۱

طلحہ ۵۴-۵۵-۸۴-۷۶-۷۴

طبریہ ۱۳۲-۶۷

حرف ع

عایشہ ۷۴-۱۷۸

عاد ۱۲

عبدالملک ۲۰۴-۲۲۲-۱۵۴-۱۳۳-۲۰۷-۲

۱۳۲-۱۳۷-۱۳۸-۱۶۳-۱۰۲۸۷

۲۵۲-۸۸-۲۴۴-۸۵-۲۴۵۸۶

۱۵۳

عبدالمطلب ۳۸-۲۴-۲۶

عبدمناف ۲۱۷

عبدالرحمن ۲۴۱-۸۲-۱۰۳-۹۸-۲۴۱

۸۳-۲۰۶

عبدالله ۱۳۰-۲۴۹-۱۶۷-۱۰۹-۱۵۳-۱۱۰

۱۰۲-۱۰۳-۱۴۹-۱۹۰-۱۳۲-۴۴

۱۳۴-۱۰۲-۱۴۹-۸۵-۱۲۱-۸۶-۶

۱۰۳

عبادہ ۷۲-۵۹

عباس ۱۶۷-۹۲-۵۴-۵۳-۴۸-۲۴۵

عبدشمس ۱۷

عثمان ۱۰۲-۱۵۰-۲۵۰-۲۴۹-۷۸-۷۷-۷۶

۷۴-۲۹-۵۴-۱۶۲-۱۲۷-۷۳-۸۴

۱۹۹-۲۹-۲۲۰-۸۰-۱۲۱-۶-۸۱

عبدالعزیز ۸۶-۲۳۲-۱۴۶-۱۳۸-۱۳۴

عبدالواد ۱۹۱

عبدالؤمن ۱۹۱

عبدالله ۱۴۶-۹۹-۱۰۹

عبیدہ ۸۴

عجایب المخلوقات ۳

عراق ۲۵۷-۲۴۹-۷۲-۶۶-۹۷-۱۴۴

۲۵۲-۱۶۱-۱۰۴-۱۰۶-۱۶۱-۱۴۸

۱۰۳-۱۰۷-۱۴۵-۴۲-۱۳-۸۱-۶۴

۲۲۳-۱۱۱-۱۹-۵۶-۱۴۶-۹۷-۶۳

۶۵-۷۳-۶۰-۱۴-۲۰۱-۸۴-۲۲۲

۱۲۳-۷۱-۲۱۷-۷

عربستان ۶۴-۱۸۳-۱۱۴-۵۱-۴۱-۴۳-۵۶

۱۰۷-۱۴۴-۱۱-۱۵-۱۶-۲۴۸

عریش ۱۱۰-۲۰۱

عرم ۱۳

عدنان ۱۰

عدن ۱۲

عزی ۱۹۸

حرف ف	عزیز ۱۵۲-۱۲۰-۱۳۴
فارس ۱۰۴-۱۴۲-۱۰۳-۱۰۲-۲۴-۹۷	عقبہ ۱۲۳-۵۱-۴۳
ففاطمہ ۹۹	عقیق ۸۲
فوحات البلدان ۶	عکرمہ ۵۶
فدک ۱۰۱	عکاظ ۱۹
فرات ۱۷۵-۱۰۴-۱۰۲-۲۴۲	علاء الدین ۳۷
فرانسہ ۲۲۱-۱۰۳-۲۴	علی ۸۳-۵۳-۴۶-۱۲۲-۱۲۳-۱۸۴
فرزدق ۲۵۷	۶۳-۱۶۹-۸۴-۱۶۸-۱۴۶-۱۷۸
فسطاط ۱۷۵-۱۰۹-۱۰۹-۲۰۹-۲۴۷-۶۷-۱۶۱	۱۳۰-۲۴۹-۷۸-۷۷-۷۶-۷۴-۸۷
فضل ۲۶۱-۱۵۴-۱۴۷-۱۵۳-۱۲۷-۲۵۶	۱۰۲-۵۰-۲۵۲-۸۸-۱۳۱-۴۳-۸۵
فلسطين ۱۴۱-۱۱-۱۴۲-۱۰۲-۱۰-۱۴	۸۱-۱۳۰-۲۴۹-۷۸-۷۷-۷۴
۷۳-۳۶	۲۸-۸۰-۲۴۱
فرغانہ ۱۶۴-۹۶	عمر ۲۴۲-۱۰۲-۱۰۰-۱۴۹-۱۷۵
فنیقیہ ۱۴۱-۲۲۱-۱۱	۲۵۴-۲۴۴-۸۸-۱۲۱-۲۴۴-۶-۲۵۷
حرف ق	۲۵۰-۲۴۹-۶۶-۲۰۱-۷۷-۳۷-۱۶۷
قاسمیہ ۶۸	۲۵۷-۲۱۹-۲۱۸-۲۲۰-۲۴-۲۹-۵۳
قاسم ۱۲۵-۱۲۶	۶۲-۱۶۲-۱۲۷-۶۳-۱۱۴-۱۷۱-۵
قادر ۲۶۳	۷۰-۱۳۲-۱۷۹-۲۵۶-۴۲-۱۶۶-۱۴۳
قبرس ۲۰۲-۱۰۷	۲۰۴-۱۹۹-۲۰۳-۷۱-۱۷۱-۲۱۷-۱۲۹
قاہرہ ۲۴۷-۹۹-۱۷۷-۱۲۰-۲۶۴-۱۳۶	عمر و ۲۰۴-۲۰۳-۴۰-۱۹۵-۷۱-۶۷-۸۶
۲۴۵-۲۰۷-۱۳۵	۷۸-۲۵۷-۶۶-۶۳-۴۴-۱۸۴-۵۶
قبادا ۴۱	۶۳-۴۸-۸۴-۱۷۱-۱۷۱-۲۵۶-۱۴۶-۱۷۵
قدامہ ۳	۱۷۴-۱۷۴-۹۲-۱۴۲-۱۰۰-۲۵۲-۳۱
قرآن ۲۱۵-۷۲-۷۶	۸۰-۲۵۲
قرطبہ ۱۰۱-۱۱۱-۹۸-۱۳۵	عضد الدولہ ۱۸۵-۲۵۹
قرمز (دریہ) ۱۱۰-۱۰۱	عقد الفرید ۳
قحطان ۳۳	عیسیٰ ۱۹۵-۲۴۳
قیروان ۱۰۱-۱۰۹	حرف غ
قفقاز ۱۰۷	غالیہ ۱۵۴
قسطنطنیہ ۷۱-۴۰-۲۰۳-۱۲۰-۱۹۰-۳۹	غرناطہ ۱۸۵
۳۳-۳۴	غریب الحدیث ۲۶۱
قسطنطنین ۳۴-۳۳	غزنہ ۲۵۸

حرف ل	قیصریه ۱۰۰
لامش ۲۰۶	قم ۱۰۵
لامارتین ۱۲۸	قتسریں ۱۰۵-۲۰۱
لوبون ۴	قزوین ۱۰۵
لین بول ۴	قصی ۱۶-۲۰
لیدن ۲۶۱	قونیه ۲۰۰-۷۹
له بو ۴	قزوینی ۳
حرف م	حرف ك
ماوردی ۳	کاشان ۱۰۵
مافی ۴۱	کرمان ۱۰۵، ۹۶
مازندران ۹۷، ۱۳۲	کرت ۲۰۸
مارب ۱۴، ۱۰، ۱۳	کشف الضنون ۳
مالت ۲۰۸، ۱۰۵	کشکول ۳
متوکل ۱۲۹، ۱۷۸، ۲۰، ۱۲۱	کشاف ۳
مدیترانه ۱۰۵، ۲۰۶	کوندی ۱۹۱
مزدك ۴۱	گرامول ۶۳
مؤید الدوله ۱۵۱	کلده ۱۲
منز الدوله ۲۴۳	کردستان ۱۰۷
معتز ۹۷	کعب ۲۴۲، ۱۲۶
مداین ۶۷، ۶۶	کعبه ۳۱، ۸۶، ۴۹، ۱۲۴، ۴، ۶۲، ۱۷، ۸۷، ۱۸
مجارستان ۳۸، ۱۵	۸۸، ۱۹۰، ۱۲۶، ۳۳، ۲۰، ۱۶، ۱۳۰، ۲۴
مستعصم ۹۷	کوفه ۱۹۵، ۹۳، ۸۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۴۹، ۸۵
متمدی ۲۴۵، ۱۶۵، ۲۴۴	۷۶، ۲۰۲، ۱۰۲، ۱۶۱، ۱۷۵، ۶، ۶۷، ۸۰
مقداد ۸۲	۱۰۱
مکران ۱۰۵	کویت ۱۰۷
مستعین ۱۶۵	حرف هـ
معتصم ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۲۴، ۱۶۴، ۹۶	گرگان ۹۷، ۱۰۵
مغیره ۱۲۳، ۵۹، ۸۴	گردون ۴۱
ملکشاه ۱۷۰	گوانین ۱۲۸
مونه ۶۳، ۴۸	کلادستون ۶۳
مولر ۱۳۲، ۴	گیلان ۴
معز ۲۰۷، ۹۹	
مطبع ۲۰۶	
مسیلنه ۸۸	
مستظهر ۱۵۸	

۳۹،۱۶۱،۲۰۷،۱۰۲،۲۴۵،۱۷۵،۱۳۹	معد ۱۰
۱۷۱،۱۰۷،۱۳۸،۷۶،۱۶۴،۲۰۳،۱۵۴	مضر ۱۰
۱۸۰،۸۴،۲۴۲	مقطم ۱۷۷
۱۲۲،۱۶۲،۱۲۳،۷۸،۲۱،۷۷،۱۲۵	مهدي ۲۰۳،۸۴،۲۴۴،۲۵۵،۹۶،۱۷۷،۱۲۵
۴۵،۲۰۴،۲۶۲،۱۲۷،۱۵۰،۵۰،۲۹	۱۲۵،۱۷۸
۸۳،۱۶۸،۶۹،۹۲،۲۵۹،۱۳۱،۱۹۹	مسعود ۱۲۸-۶
۱۰۲،۸۰،۴۹،۶۲،۸۲،۸۷،۱۶۹،۸۴	مقتدر ۱۶۵
۶۳	مستبصر ۸۹
۲۱۸،۵۵،۵۲،۴۶،۵۰،۲۹،۳۰،۴۴،۴۲	محمد علی ۹۳،۱۳
۳۲،۲۵۵،۲۴۴،۱۲۱،۳۸،۲۷،۱۰۴،۱۳	منذر ۲۴۱،۱۴،۱۳
۱۰۱،۲۰،۱۶،۲۴،۳۲،۴۹،۱۷،۴۳،۴۸	معتمد ۱۲۹،۱۷۴
۱۰۵،۱۲۶،۳۳	مقریزی ۳،۱۴۰،۱۰۹،۱۱۱،۱۲۰
۹۷،۱۴۳،۱۵۵،۱۰۴،۱۰۴،۴۸	موسی ۱۹۵،۹۶،۲۷،۶۴
مونیوک ۳۹،۱۴۱	معاذ ۱۱۳
موریس ۳۶	مرادیه ۱۸۱،۲۲۴
میافارقین ۱۰۵	مصطفی ۱۸۱
مهرگان فندق ۱۰۵	محمد ۱۳۳،۲۷،۱۱۳،۹۶،۲۶۴،۳۰،۱۸۸
محترش ۱۷	۳۱،۱۵۸،۱۷۲،۳۲،۹۲،۲۵۹
مندف ۱۴۴	محمد باقر ۱۳۲
مشکاة المصابیح ۳	محمود ۹۳،۱۵۶،۲۵۸،۱۵۷،۱۵۸
ملك سعيد ۳	مأمون ۱۳۹،۲۴۴،۱۷۸،۲۴۱،۹۶،۱۲۳،۱۲۵
مقری ۳	۱۲۶،۱۲۴،۱۴۴،۱۶۹،۲۴۵،۱۷۹
مستطرف ۳	مروان ۹۱،۲۵۲،۲۰۷،۱۷۵،۱۹۵،۱۶۲
مراکش ۱۰۷،۱۹۱	۱۹۵
حرف ن	منصور ۱۷۵،۱۳۴،۲۵۴،۹۶،۲۵۷،۱۲۵
	مدینه ۷۰،۲۵۶،۱۲،۲۱۸،۵۲،۴۶،۴۴،۴۲
	۵۱،۶۵،۴۸،۳۲،۱۲۱،۳۸،۱۱۲،۱۰۴
	۱۰۲،۱۷۵،۸۲،۱۴۴،۲۴۹،۴۳،۱۱۴
	۱۰۵،۳۳،۱۰۱،۷۶،۱۶
	مصر ۲۶۴،۱۴۸،۲۶۰،۷۸،۱۵۹،۲۰۲،۱۱۱
	۶۸،۲۴۷،۱۰۹،۹۹،۱۷۷،۷۱،۴۰،۱۲۰
	۲۲۳،۱۴۲،۱۰۴،۱۱،۱۴،۲۰۹،۳۶،۷۳
	۱۲۱،۱۴۶،۵۶،۳۲۲،۱۷۸،۲۵۹،۱۱۹
	۱۱۰،۶۶،۲۰۸،۲۴۸،۱۳۰،۹۷،۱۰۶
	۹۳،۱۴۰،۸۲،۱۳۴،۳۵۵،۹۷،۲۴
ناصر ۲۰-۱۲۰	
ناصر الدوله ۱۵۸	
نابلیون ۶۲	
نجران ۱-۲۲۱	
نجد ۱۶۱	
نورالدین ۴۷-۲۴۶	
نیسفور ۲۵۶	
نفع الطیب ۱۳۶	
نیل ۱۱۰-۶۶-۲۰۹	

حرف و	
وائق ۱۲۹	هلند ۱۶۱
والنتین ۳۴	هلال- (الهلال) ۹۹-۱۲۸-۲-۱
وادی القری ۸۱	هنگری ۳۸
ورقه ۸	هند ۴۵-۱۰۴-۱۱-۱۰۳-۱۸۳-۱۸۸-۳۴
ولید ۱۶۹-۹۱	۴۹-۲۰۱
حرف ه	حرف ی
هاجر ۱۰	یحیی ۲۴۵-۲۷-۲۵۰
هادی ۱۸۴-۹۶	یرموک ۶۷-۵۶-۱۹۴-۷۲-۶۸
هرون ۲۵۰-۲۴۴-۹۶-۱۲۷-۲۵۶-۱۵۱	یزید ۱۲۳-۷۷-۵۰-۱۶۲-۶۲-۱۷۲-۸۳
۲۰۶-۲۰۱-۱۲۴-۱۹۹-۱۵۳-۱۸۴	۴۲-۹۰-۱۳۳-۲۵۴-۱۴۶-۸۷-۱۶۹
هرونیه ۲۰۱	۱۹۵-۸۸
هبل ۹۸	یعقوب ۱۵۲
هرقل ۷۳-۳۶-۴۰	یقطان ۱۰
مشام ۱۰۹-۱۲۵	یسامه ۵۵-۱۰۴-۱۰۵
همدان ۱۰۲-۱۰۵	یمن ۴۸-۱۶۸-۱۲۱-۶۵-۱۹-۱۸۳-۱۰۵
هرمز ۳۶-۳۸	۱۱-۱۰۴-۱۱۳-۱۰
	یونان ۳۵-۲۲۰
	یوسف ۲۲۳-۶۹-۱۲۴



آیة تہذیب اسلام

رابع به

پیدایش دولت اسلام - تاریخ مؤسسات اداری
و سیاسی و نظامی آن - شرح ثروت ممالک
اسلامی و تاریخ علوم و ادبیات و بازرگانی
و صنعت و نظامات اجتماعی و آداب و رسوم
ممالک و مثل اسلامی

تاریخ تہذیب اسلام

جلد دوم

تألیف

جرجی زیدان

ترجمہ و نگارش

علی جوہر کلام



مؤسسہ مطبوعاتی امیر کبیر

دہلیہ ۱۳۳۶

چاپخانہ سپہر

مشمول بر تاریخ

ثروت دولتهای اسلامی - ثروت رجال دولتی
و خلفای اسلام - موجبات پیدایش آن ثروت
و از دست رفتن آن ثروت - ثروت اهالی
شهرها و دهها

فهرست تصویرهای جلد دوم

شماره صفحه	شرح
۹	۱- قونیه مقبره مولانا
۱۶	۲- نمونه‌ای از اسلحه و پرچم ترکان
۲۱	۳- افسر ترك وزيرستان او
۳۲	۴- آفتابه برنجی قرن دوم هجری
۵۱	۵- ملك حسين پادشاه سابق حجاز
۵۵	۶- سینی مسی آب نقره
۶۵	۷- محراب مرمر (موصل)
۷۱	۸- شمعدان مطالا
۸۳	۹- دورنمای جامع سامراء
۹۲	۱۰- پنجره مسجد جامع موصل
۱۱۳	۱۱- نمونه گچ کاری قرن سوم و رسامراء
۱۲۲	۱۲- تنگ سفالین قرن چهارم
۱۲۵	۱۳- یکی از نوازندگان قرن سوم
۱۴۳	۱۴- تاق نمای گچ بری قرن سوم
۱۵۰	۱۵- قطعه‌ای از محراب کاشی کاری
۱۵۷	۱۶- کوزه سفالی قرن دوم
۱۵۹	۱۷- مسجد سلطان احمد (استامبول)
۱۶۱	۱۸- قونیه مسجد صاحب عطا
۱۶۷	۱۹- تنگ نقره کوب
۱۷۲	۲۰- شمعدان مسی ساخت شیراز قرن هفتم
۱۹۱	۲۱- قسمتی از مسجد جامع اصفهان (قرن پنجم)

فهرست تصویرهای جلد دوم

شماره صفحه

شرح

- | | |
|-----|--------------------------------|
| ۱۹۴ | ۲۲- ظروف برنجی (قرن چهارم) |
| ۱۹۹ | ۲۳- ظرف طلاکاری ساخت ایران |
| ۲۰۶ | ۲۴- ادرنه مسجد سلیمیه |
| ۲۰۸ | ۲۵- نمونه نقاشی دیواری قرن ششم |
| ۲۱۷ | ۲۶- مجسمه سفالین قرن پنجم |
| ۲۲۱ | ۲۷- ظرف سفالین قرن ششم |

فهرست مندرجات جلد دوم

تا صفحه	از صفحه	شرح
۷	۱	مقدمه مؤلف
۴۱	۸	حقیقت تمدن و ظاهر آن
۴۶	۴۲	ثروت عباسیان
۶۰	۴۷	اوضاع جغرافیائی ممالک اسلام
۸۰	۶۱	مالیات زمان عباسیان
۸۲	۸۱	خلاصه مالیات
۹۰	۸۲	هزینه دولت عباسی
۹۳	۹۱	موجبات ثروت عباسیان
۹۴	۹۳	مساحت ممالک عباسیان
۱۰۳	۹۵	توجه مردم بامور کشاورزی
۱۱۳	۱۰۴	مالیاتها سنگین بوده است
۱۱۵	۱۱۴	درستکاری و امانت مأمورین
۱۱۷	۱۱۶	موجبات کمی هزینه
۱۱۹	۱۱۸	شماره کارمندان دفتری
۱۲۲	۱۲۰	وام :
۱۲۶	۱۲۳	حسن تدبیر خلفاء
۱۳۲	۱۲۷	ثروت عباسی در دوره انحطاط
۱۳۸	۱۳۳	مالیاتها
۱۴۰	۱۳۹	درآمد املاک خالصه
۱۴۳	۱۴۱	مقایسه درآمدها
۱۴۶	۱۴۴	بائین آمدن میزان مالیات

فهرست مندرجات جلد دوم

<u>تا صفحه</u>	<u>از صفحه</u>	
۱۴۷	۱۴۷	عدم امنیت
۱۵۳	۱۴۸	بیشتر ده ها تبدیل به ضیاع شد
۱۶۰	۱۵۴	موجبات زیادی هزینه
۱۶۴	۱۶۱	آیا این بذل و بخشش ها میشده است
۱۶۶	۱۶۵	تنوع و فزونی هزینه ها
۱۷۴	۱۶۶	فزونی حقوق کارمندان
۱۸۴	۱۷۵	حقوق و مستمری
۱۸۶	۱۸۵	شماره ماهها
۱۸۹	۱۸۷	مخارج بیعت گرفتن
۲۰۴	۱۹۰	سوء استفاده
۲۰۹	۲۰۵	خلاصه مطالب
۲۱۳	۲۱۰	ثروت عمومی
۲۱۷	۲۱۴	شهرهای اسلامی
۲۱۹	۲۱۸	بصره
۲۲۱	۲۲۰	کوفه
۲۲۳	۲۲۲	فسطاط
۲۲۶	۲۲۴	بغداد

بنام خدا

مقدمه مؤلف

سال گذشته درچنین روزی جلد اول تاریخ تمدن اسلام منتشر شد و شور و غوغائی در مطبوعات پیا کرد، چون مباحثه در این قسم مطالب در زبان عربی سابقه نداشت و بعلاوه موضوع مهم بود، روزنامه ها تقریظ و انتقاد بسیار بر آن نگاشتند و از مصر و سوریه و ایران و هند و اروپا و امریکا دانشمندان نامه هائی فرستاده مارا باداعه این کار و مجاهده و مبارزه در تکمیل این موضوع تشویق کردند. و حتی پاره ای از این فضلاء اظهار داشتند که تصور نمیرفت راجع بموضوع تاریخ تمدن اسلام کتاب مخصوص انتشار یابد چه که مدارك و مستندات لازم برای جمع آوری مطالب مربوط بقدر کافی موجود نمیبود و خلاصه آنکه این نامه ها و آن مقاله ها ما را بیش از پیش بانجام این منظور پسندیده ترغیب کرد.

از اتفاقات عجیب آنکه هنگام تألیف این کتاب و اعلام مقصود، خود انتظار نداشتیم که مواد موجود بیش از مندرجات يك جلد بشود. اما پس از شروع بتحقیق و تتبع پاره ای مسائل فلسفی و تاریخی مربوط بعوامل تمدن اسلام بر خوردیم و مطالب بسیاری بر ما کشف شد که بخاطر کسی خطور نمیکرد و در نتیجه میدان وسیعی برای نگاشتن بدست آمد تا حدی که چهار برابر تخمین و تصور سابق مطالب لازم جمع آوری شد و در دسترس ما قرار گرفت. لذا جلد اول تاریخ تمدن اسلام را انتشار دادیم و مطالب مهم آن عبارت بود از:

مقدمه لازم راجع بشرح حال عرب پیش از اسلام تا نهضت اخیر اعراب - ظهور اسلام - انتشار اسلام - پیدایش دولت اسلامی - ادارات و مؤسسات آن - آرتش - بیت المال یا دارائی.

در مقدمه جلد اول گفتیم: که بقیه مطالب را در سه جلد دیگر به حجم جلد اول مینگاریم.

اما همینکه بنویستن جلد دوم دست زدیم میدان عمل را بقدری وسیع دیدیم که چهار جلد و پنج جلد را نیز برای اتمام مطالب کافی نمیدانیم و تصور میرود که این تاریخ در شش یا هفت جلد پایان یابد. و در هر حال تا از تألیف مطالب فارغ نشویم تعیین شماره مجلدات عملی نخواهد بود.

اما موضوع این جلد عبارت است از: ثروت ممالک اسلامی که رکن مهمی از ارکان تمدن مزبور بشمار میآید. موضوع مزبور بدو قسمت تقسیم میشود، ثروت دولت و رجال دولت. ثروت ممالک اسلام یعنی ثروت شهرها و مردم آن، در قسمت ثروت دولتی اسلام از نظر فلسفی و تاریخی وارد موضوع شدیم و از زمان پیغمبر اکرم شروع کرده تا عباسیان پایان دادیم. و موجبات کم و زیاد شدن آن ثروت را شرح دادیم و ارتباط این تغییرات را با وضع دولت‌ها و مقررات جاریه آن ذکر نمودیم و همینکه ثروت عباسیان رسیدیم آنرا بدو زمان و دوره تقسیم کردیم، دوره ترقی و دوره تنزل در دوره اول که ثروت به منتهی درجه رسیده بود، شرح مفصلی در آن موضوع نوشتیم. و پیش از ذکر آن تفصیل مقدمه‌ای در باره چگونگی پیدایش دولت عباسیان و موجبات پیشرفت آن نگاشتیم، آنگاه بشرح ثروت دولت عباسیان پرداختیم و پیش از ذکر موضوع، مختصری از جغرافیای کشور اسلام در قرن سوم را با نقشه مربوط مرقوم داشتیم. در طی آن نقشه ارتباط و تناسب شهرستانهای اسلامی را نسبت به یکدیگر بیان کردیم، آنگاه بشرح ثروت دولت عباسی آغاز کردیم. و ابتداء از سفاح یعنی اوایل سلطنت عباسی شروع کردیم و بایام هرون و مأمون رسانیدیم که در آن هنگام دولت عباسی به منتهای عظمت و کمال رسیده بود. سپس سه صورت مفصل از اوضاع مالی زمان مأمون و پس از مأمون درج کردیم و آن سه صورت را باهم مقایسه نمودیم و چنین نتیجه گرفتیم که: در آن زمان سالانه سیصد میلیون درهم در آمد زیاد بر هزینه در بیت‌المال باقی میماند. و این وضع مساعد مالی تا کنون برای هیچ دولتی فراهم نشده است و برای کشف موجبات پیدایش این ثروت هنگفت ناچار در اطراف منابع در آمد و ارقام هزینه و علل زیادی رقم اول و کمی رقم دوم مطالعاتی انجام دادیم و دانستیم که موجب زیادی در آمد در آن

ایام چهارچیز بوده است . اول وسعت ممالک اسلامی - دوم آبادی ده ها و شهرها و اشتغال مردم بامور کشاورزی - سوم سنگینی و زیاده مالیات ها - چهارم امانت مأمورین در وصول و ایصال درآمدها . و اما کمی هزینه مربوط بسه چیز میباشد: اول کمی کارمند دوم نداشتن وام دولتی - سوم اقتصاد خلفای راشدین . و پس از آنکه ثروت عباسی را در زمان ترقی آن دولت شرح دادیم باوضاع مالی در عصر تنزل و انحطاط پرداختیم . و ابتداء علل انحطاط را شرح داده مبلغ درآمد آن دوره را ذکر نمودیم . و پس از مطالعه کامل در اوضاع مالی دوره انحطاط باین نتیجه رسیدیم که خرابی اوضاع مالی بواسطه زیاده مخارج و کمی عایدات بوده و علت نقصان درآمد را در پنج چیز دانستیم . اول از دست رفتن قسمتی از ممالک - دوم کم شدن میزان مالیات نسبت بسابق - سوم نادرستی مأمورین در جمع آوری عایدات - چهارم باز ماندن مردم از کار بواسطه آشوبهای داخلی - پنجم ویران شدن ده ها و شهرها .

اما فزونی هزینه نیز پنج سبب داشته . اول و اخراجی خلفاء و زنان آنها و در این قسمت اخیر فصلی راجع بثروت زنان خلفاء اختصاص دادیم - دوم تنوع و ازدیاد هزینه دولت - سوم فزونی مقرری و مستمری کارمندان ، برای این قسمت نیز شرح و تفصیل قائل شده مقرری استانداران ، وزیران ، نویسندگان ، قاضیان ، اطرافیان خلیفه ، آرتش و غیره را با ذکر تاریخ درج کردیم - چهارم هزینه بیعت گرفتن - پنجم پول طلبی و مال اندوزی رجال دولتی و برای توضیح این قسمت مبحثی درباره احوال وزیران دوره انحطاط ذکر کردیم که چگونه درد رشوه خواری میان آنان شیوع یافته بود . و در عین حال که خلیفه تهی دست مانده خزانه (بیت المال) تهی شده بود ، وزیران ثروت های هنگفتی گرد آورده بودند . و چگونه در اثر این جریانات موضوع مصادره و ضبط دارائی وزیران در آن زمان معمول گشت . درباره استانداران و فرمانداران و نویسندگان و دربانان نیز مطالباتی انجام داده مطالبی نگاشتیم . و خلاصه ای از این موضوع را بعنوان خاتمه (فصل ثروت های دولتی) درج نمودیم .

آنگاه بقسمت اساسی دیگر یعنی ثروت ممالک اسلامی که عبارت از ثروت شهرها و اهالی شهرهاست توجه نمودیم و بطور اختصار از اوضاع شهرهای اسلامی مطالبی

نگاشتیم. که چگونه در دوره انحطاط و تنزل ثروت عمومی در میان هیئت حاکمه و اتباع آنان و مردم با نفوذ و با قدرت جمع شده بود و توده مردم در فقر و مسکنت و حشت آور بسر میبردند. و خانمه این قسمت را در شرح نامی ترین شهرهای اسلام در مصر، شام عراق، مغرب مانند بصره، کوفه، بسطاط، بغداد و غیره اختصاص دادیم. و ثروت و آبادی آن بلاد را در آن دوره ای از تمدن اسلامی ذکر کردیم. همینکه جلد اول کتاب منتشر شد دانشمندان اهمیت موضوع و دشواری کار ما را دریافتند و نویسندگان در روزنامه ها و مجله ها از تألیف ما تقریظ و انتقاد کردند. و علاوه بر آن دوستان دانشمند ما نامه های فرستادند و بطور کلی موجب تشویق ما شدند، در ضمن پاره ای از انتقادات بعنوان اشتباه و خطای ما عنوان شده بود و علت این اشتباه آنان که بر ما خطا گرفتند آن بود که از مدارك و مستندات تاریخی ما خبر نداشتند و بر آن دست نیافته بودند، از آنرو ما مدارك موجود خود را برای آنان شرح دادیم و ثابت کردیم که آنچه در جلد اول نگاشته ایم عبارت از مطالبی است که کاتب تاریخ نویسان در صحبت آن متفق هستند. (به شماره های ۳۷۵۷ و ۳۷۵۸ المؤید مراجعه شود.) پاره ای از این مقالات هم در جراید دیگر منتشر شده بود. و نویسندگان پیش از آنکه در موضوع دقیق شوند از ما خطا گرفته بودند. در واقع عجله و شتاب آنان خطا بوده است. زیرا آنچه را که ما نگاشتیم از قول مورخین مورد اعتماد نقل کرده ایم و اسامی غالب آنان را در مقدمه جلد اول نوشتیم. و اگر نویسندگان مزبور بآن مدارك مراجعه میکردند از زحمت انتقاد آسوده میشدند. هنگامیکه جلد اول کتاب را مینوشتیم در صدد بودیم که در پائین هر صفحه مدارك مربوط را نام ببریم ولی چون مطالب ما از کتب و رسالات متعدد نقل میشد لذا جای زیادی برای ذکر اسامی تمام آن مدارك لزوم داشت، از آن جهت از ذکر اسامی مستندات در پای صفحه خودداری کردیم، در صورتی که اگر صفحه بصفحه مدارك را نام می بردیم خود و دیگران را از انتقاد بی مورد و جواب آن انتقادات راحت می ساختیم.

بهر حال از مطالعه تقریظ ها و انتقاد ها چنان دریافتیم که نویسندگان مایل هستند نام مدارك و اسناد را در پای هر صفحه ای بخوانند، بسیاری از دانشمندان

و علاقمندان بمسائل علمی در طی نامه های خویش این موضوع را تذکر داده انجام آنرا جدا خواستار شدند ، که از آن جمله بعضی از دانشمندان هند و ایران میباشند . بخصوص نامه دانشمند بزرگی از دانشمندان هند برای ما رسید که مراتب فضلی او در میان خوانندگان عرب زبان معروف است . زیرا پاره ای از آثار علمی آن مرد بزبان عربی منتشر شده است ، آن دانشمند عالی قدر دوست گرام ما شمس العلماء ، شیخ شبلی نعمانی ناظر علوم و فنون حیدرآباد دکن میباشد این شخص محترم راجع بتاریخ اسلام و آداب و رسوم آن احاطه و اطلاع کامل دارد و همینکه جلد اول تاریخ ما از نظرش گذشت نامه ای برای ما نگاشته و آنطور که شایسته بود از ما تقدیر کرد . ولی از عدم ذکر مدارك در پاي هر صفحه خرده گیری نموده چنین نوشت :

« با نهایت اشتیاق جلد اول تاریخ تمدن اسلام را دریافت داشتم چه که این موضوع فوق العاده در نظر من مهم می آید و بهر کس آنرا نشان دادم بی نهایت تقدیر کرد ، گمانم آنست که این کتاب بزبان اردو (هندي) ترجمه میشود و شکی نیست که کتاب مزبور در سراسر کشورهای اسلامی مورد تقدیر و تحسین واقع میشود اما نکته ای هست که نمیتوانم آنرا کتمان کنم و آن اینکه شما عادت کرده اید که مدارك تألیفات خودتان را در ابتدای کتاب بطور اختصار نام ببرید در صورتیکه این عمل متضمن مفاسد بسیاری میباشد از آنجمله اینکه بسیاری از خاور شناسان فرنگ اختراعات مهم و مسائل علمی عمده ای را بر بیا نسبت می دهند و ما را فرور میسازند تا آن حد که به مطالب مزبور افتخار و مباحثات کنیم ، اما چون باصل مطلب رجوع نموده موضوع را بررسی میکنیم معلوم میشود خاور شناسان از کاهی کوهی ساخته اند ، و حقیقت آنکه چیز قابل توجه و مهمی در میان نبوده است .

ما نمیگوئیم که آنها عمداً دروغ پردازی میکنند بلکه استنباط غلط آنها اینطور نتیجه میدهد ، حال اگر آن خاور شناسان مأخذ روایت را مینگاشتند مراجعه باصل موضوع در صورت لزوم آسان مینمود . بعلاوه کتب تاریخی یکسان نیست ، پاره ای روایات تاریخی معتبر و پاره ای دیگر نا معتبر و ضعیف است و مادام که نام کتب و مدارك بتفصیل نگاشته نشود تمیز صحت و سقم روایات مشکل مینماید ، پایان .

در نتیجه این تذکرات ما بعقیده اول خود باز گشتیم که از آغاز جلد دوم مدارك كتاب را در پای هر صفحه بنگاریم و برای جلوگیری از بزرگ شدن كتاب تا ممکن بود باختصار کوشیدیم و بدیهی است که اینکار چقدر دقت و مراجعه لازم دارد و برای درك مساعی و مشقت مادر انجام این منظور کافی است که همین جلد دوم را پیش از مطالعه ورق بزنند و یادداشت‌های پای صفحه آنرا بشمارند و چون كتاب ما نخستین کتابی است که در چنین موضوعی باین طرز تألیف میشود لذا زحمت و مشقت آن بسیار است. (۱)

این را هم بگوئیم که تاریخ تمدن اسلام برای مشغولیات عامه مردم تألیف نشده و نظیر رمانها و داستانهای فکاهی تهیه نگشته است بلکه عبارت از يك موضوع مهم تاریخی اجتماعی میباشد که با اصول علمی علل و موجبات پیدایش و پیشرفت تمدن اسلام و موجبات انحطاط آن تمدن ذکر شده است و در ضمن شرح مطالب مربوط به مقالات و بحث‌های فلسفی به میان آمده که رابطه علل و معلول و قایع را روشن میسازد و برای خوانندگان بهترین پند و اندرز میباشد بنابراین تألیف مزبور چیزی است که دانشمندان و علاقمندان به مباحث علمی و فلسفی از آن بهره مند میگردند.

تألیف این مجلدات را موقعی آغاز کردیم که از چند سال پیش با تألیف و انتشار داستان‌های تاریخی (اسلامی) ذهن مردم را برای مطالعه این تألیف حاضر ساختیم و در واقع ابتداء حقایق تاریخی را ضمن رمانهای عشقی که مطلوب خاص و عام است گنجانیدیم، سپس بتألیف این مجلدات پرداختیم چون خوانندگان را آماده درك مطالعه این نوع تألیفات دانستیم در واقع تاریخ حقیقی اسلام همین تاریخ است و بنا بقول اهل فن و تحقیق تاریخ يك ملتى ذكر و درج جنگ‌ها و فتوحات آن ملت نمی باشد بلکه

۱- جرجی زیدان چنانچه خود تذکر داده بنا بسفارش شبلی نعمانی هندی از جلد دوم به بعد مدارك و ماخذ را یادداشت کرده است ولی چون کلیه مدارك مزبور کتابهای خطی و چاپی عربی میباشد و فارسی زبانان از استفاده آن معذور میباشد. لذا مادر ترجمه فارسی از ذکر مدارك پای صفحه که زحمت بیهوده‌ای است خودداری کردیم ولی کلیه مدارك را در مقدمه كتاب نگاشتیم تا کسانی که بزبان عربی آشنا هستند در صورت لزوم بدان كتاب مراجعه کنند و برای تسهیل مراجعه ممکن است به نسخه‌های اصل عربی نیز رجوع نموده شماره صفحات كتب مربوطه را بیابند. مترجم

تاریخ حقیقی يك ملت عبارت است از : تاریخ پیدایش و پیشرفت تمدن آن ملت ،
طرز تشکیلات دولتی آن ملت ، تاریخ ثروت ، تاریخ علوم و آداب ، تاریخ مقررات
اجتماعی و جریان آن . . .

باری آنچه را که از دشواری کار خویش یاد آور شدیم برای آن بود که اگر کم
و کاستی در کارها دیده میشود پیشاپیش پوزش بخواهیم و هر کس میدانند گل بی عیب
خداست .

حقیقت تمدن و ظاهر آن

در جلد اول این کتاب برای درک حقیقت تمدن اسلام، تاریخ اداری و سیاسی و مالی دولتهای اسلامی را از آغاز تا پایان عباسیان شرح دادیم، و اینک میگوئیم که هر تمدنی حقیقت و ظاهری دارد، ظاهر تمدن را بچشم می بینیم و آن عبارت از ثروت، قدرت، صنعت، تجارت، وقوانین و عادات و رسوم اجتماعی و علم و ادب میباشد، اما حقیقت تمدن که در نتیجه مطالعه اوضاع استنباط میشود عبارت از: خوبی یا بدی، خوشبختی و یا بدبختی کسانی است که در پرتو آن تمدن زندگی میکنند.

پس چنانکه گفته شد، ثروت و علم و ادب و صنعت و تجارت و عادات و رسوم و مقررات اجتماعی جزء، ظواهر تمدن اسلام بشمار میآید. و اینک بحث خود را در این مجلد (جلد دوم) ثروت ممالک اسلامی منحصر میسازیم.

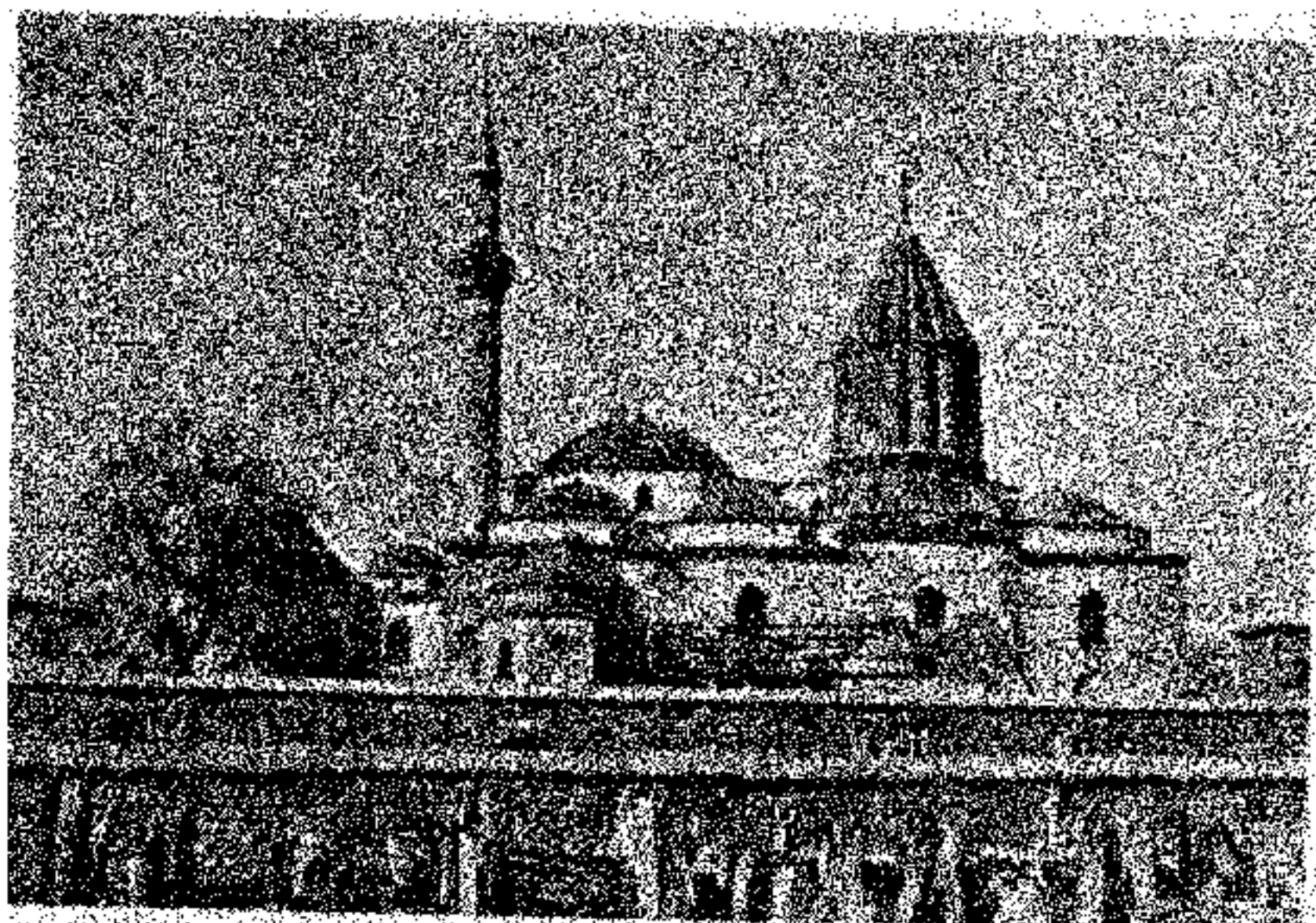
برای درک موضوع ثروت باید از مصادر ثروت و موجبات پیدایش ثروت از نظر زمان و مکان دولت ها گفتگو بشود، بعلاوه باید معلوم شود که ثروت میان عدده معدودی از طبقه حاکمه و رجال با نفوذ محدود مانده، یا اینکه میان مردم متفرق میباشد. و طبعاً دانستن این مطالب موکول بآن میشود که اوضاع و احوال شهرها و ساختمانها و امثال آنرا نیز دانسته باشیم.

این هم مسلم است که ثروت دولت های اسلامی در زمان عباسیان بعد کمال رسید، حال اگر منظور ما آن بود که ثروت زمان عباسیان را بطور مطلق و کلی ذکر کنیم کافی بود که مقدار مالیات ها و موجودیهای بیت المال را بگوئیم، ضمناً از تلف کاریها و بذل و بخشش خلفاء و اتباع آنان نیز مطالبی اظهار بداریم و بسر چشمه آن در آمد ها نیز اشاره ای بکنیم. ولی از آغاز شروع بتألیف این کتاب نظر بر این بود که موجبات هر پیش آمدی را با ذکر علت تحقیقی ذکر نمائیم و ارتباط آن پیش آمد را با اوضاع

و احوال زمان و مکان بطور کلی و جزئی شرح دهیم و در آن موارد بشرح و تفصیل پردازیم .

نکته جالب توجه دیگر اینکه دولت های اسلامی غیر از ممالک اسلامی میباشند، چه که اولی از هیئت دولت و رجال آن تشکیل می یابد، و دومی عبارت از شهر ها و ده ها و مردم آن نواحی می باشد . و بهمان نظر ثروت اسلامی را ثروت دولت و مملکت تقسیم کردیم و راجع بهر یک از آن دو، در دوره های مختلف تحقیقاتی بعمل آوردیم . و اینک که ابتداء از ثروت دولتهای اسلامی صحبت میداریم آنرا به پنج دوره تقسیم میکنیم .

۱- عصر پیغمبر اکرم - عصر خلفای راشدین - عصر اموی - عصر عباسی - دوره ترقی - عصر



ت - قونیه : درگاه مولانا و مقبره او

عباسی، دوره انحطاط - و در هر یک از این پنج دوره راجع بمواد مخصوصی از قبیل

ثروت دولت ، بیت المال ، ثروت رجال دولت صحبت میداریم و گفتگو در این مواد مستلزم آن است که موجبات پیدایش آن ثروت و علت کمی و زیادی آن ، تاریخ خراج ، و تاریخ جزیه و انواع هزینه هارا نیز شرح دهیم .
البته غیر از دولت عباسی دولت های دیگر اسلامی در مصر و اندلس و غیره نیز بوده است که در ضمن شرح ثروت دولت های عباسی از آنان نیز من باب مثال صحبت میداریم ، اما مواد اصلی ما از تمدن اسلامی همان تمدن اسلامی دوره عباسی میباشد .

ثروت دولت اسلام

اگر مقصود از ثروت مقدار مالی است که پس از وضع مخارج باقی میماند و در خزانه میرود ، در زمان پیغمبر اکرم دولت اسلام ثروتی نداشته ، چه که دارای مالی نبوده و بیت المالی دایر نشده بود و اگر غنیمتی بدست مسلمانان میرسید فوری میان خودشان تقسیم میشد ، زکوتی که در زمان پیغمبر جمع میشد ، مثل سایر غنیمت ها قسمت میشد و اگر چیزی باقی میماند برای هنگام حاجت آنرا نگاه میداشتند و حضرت رسول خودشان آن باقی مانده را حفظ میکردند ، بیشتر اموال زکوة و غیره شتر و ستوران دیگر بود که با پیغمبر آنرا داغ میزدند تا از سایر اموال جدا باشد .
پس ثروت دولت اسلام در زمان پیغمبر عبارت از باقی مانده زکوة (شتر و اسب چارپایان دیگر) بود و آنرا در چراگاه های مخصوصی نزدیک بقیع (مدینه) در محلی موسوم به حمی (پناهگاه) نگاه میداشتند . و پیغمبر اکرم خودشان آنرا داغ میزدند این اموال در زمان پیغمبر به چهل هزار شتر و گاو و اسب و غیره رسیده و با اموال نقدینه دیگر بمصرف جنگ ها میرسید و یا بابت حقوق مأمورین وصول زکوة پرداخت میشد و یا بمصرف نگاهداری فقراء و مانند آن میرسید .

۱- عصر پیغمبر اکرم
از ۱- تا ۱۱ هجری